

به علت تغییر شغل این کتاب را

نوشتیم.

سیامک احمدی

تهران - ۱۳۹۶

به فرنگیس  
هستی  
و نیلوفر،  
زندگی من

سرشناسه: احمدی، سیامک  
عنوان و پدیدآور: به علت تغییر شغل این کتاب را نوشتم  
تهران، مؤسسه انتشارات ماهین، ۱۳۹۵.  
مشخصات ظاهری: ص.  
شابک: ISBN 978 - 600 - 97444 - 1 - 1  
یادداشت: فیپا.  
موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴.  
رده‌بندی کنگره: PIR:  
رده‌بندی دیویی: ۸۶۲ / ۳ فا ۸  
شماره کتابخانه ملی: ۴۷۱۵۹۰۵

نشر ماهین: خیابان انقلاب - خیابان روانمهر، شماره ۱۳۶

تلفن: ۶۶۴۹۱۲۹۵ - ۶۶۴۹۱۸۷۶

به علت تغییر شغل این کتاب را نوشتم

نمونه‌خوان اول:

نمونه‌خوان نهایی:

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

حروفچینی: گنجینه

لیتوگرافی: اردلان

صحافی: آزاده

ISBN 978 - 600 - 97444 - 1 - 1

## وقتی به دنیا آمدم..

از دنیا متنفر بودم.  
می خواستم گریه کنم.  
... کودک پنج ساله‌ای با مادرش در پارک مشغول بازی  
بود.  
... با او برخورد کردم، بغضم ترکید.  
از دفترچه خاطرات بمب‌اتم.

## در آن بعدازظهر تابستان

وقتی مرد مزرعه‌دار، کلاغ‌ها را در مزرعه، مشغول  
خوردن ذرت‌ها دید...  
مترسک پیر را اخراج کرد.

## لالایی

صدای لالایی تمام فضای خانه را پر کرده بود.  
آژیر قرمز به صدا درآمد و...  
دقایقی بعد جنگنده‌های دشمن آسمان شهر را ترک  
کردند. صدایی جز همهمه و هیاهو به گوش نمی‌رسید. در  
میان آوارِ خانه، مادر همچنان برای کودک‌اش لالایی  
می‌خواند. امدادگری به او نزدیک شد.  
— خانم! شما مجروح شده‌اید، اجازه می‌دهید جسد  
فرزندتان را از روی پاهایتان بردارم؟

## در زمستانی سرد و طولانی

و پر برف، عاشق شد. قلب یخی اش بدل به گلوله‌ای از  
آتش شد و از حرارت عشقی که در وجودش شعله‌ور  
می‌شد... آب گردید.  
آدم‌برفی در آن زمستان، عاشق آفتاب، دختر خورشید  
شد.

## به علت تغییر شغل

دختر گلفروش سبد خالی گل‌ها را نیز فروخت.

## بعد از مرگ دختر گلفروش...

آخرین شاخه گلی که در سبدهش مانده بود به حراج گذاشتند.

فردی ناشناس به بالاترین قیمت از شاخه گل را خرید...

و آن را روی سنگ قبر دختر گلفروش گذاشت.

## وقتی کودک به دنیا آمد...

— بهش بگم تو کجایی؟  
قطرات اشک به آرامی از چشمان مادر سرازیر شدند  
و روی ستاره‌های فلزی لباس پدر غلطیدند.